



# سانسور

عبدالحسین آذرنگ

برای «سانسور» مترادف‌های دیگری نیز در زبان فارسی به کار می‌برند، مانند «مسبزی»، «تفتیش عقاید»، «تفتیش انکار» و مانند آنها. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عبارت «تفتیش عقاید» آمده است (ماده ۱۲۲-۱۲۳).

سانسور معنا، دامنه و کاربردهای بسیار وسیعی دارد. پیشینه تاریخی آن گواه یکی از کهنترین کشفیات میان همه کسانی است که از یک سو حرفهای برای گفتن و نوشتن داشته‌اند، و نهادها، قدرتها، آیینها، و تشکیلات و افرادی از سوی دیگر که آن حرفها را موافق مصالح یا در جهت منافع خود نمی‌دیدند. این کشفیات که تا به امروز و به اشکال گوناگون در جوامع مختلف ادامه یافته، گاه با خشونت، شدت عمل، تعقیب و آزار، و حتی قتل و کشتار فردی و جمعی، تبید و نفی بلد، زندان و شکنجه و نظایر آن همراه شده. و گاه صورتهای ملایمتر، پنهانی‌تر، کنترل‌شده‌تر یا تعدیل شده‌تر به خود گرفته است. اما، در هر صورت، سانسور به گونه‌ای در همه جوامع، و البته به نیت‌های مختلف، وجود داشته است و اکنون نیز وجود دارد. جامعه‌ای که هیچ‌گونه سانسوری در آن وجود نداشته باشد، در هیچ کجای جهان و در هیچ دوره‌ای از تاریخ، دیده نمی‌شود. آزادی بشر، یا به عبارت بهتر، احساسی که آدمی درباره آزادیهای خود دارد، حد و حصر ندارد. چنانچه برای آزادیهای فردی مرزی تعیین نگردد، چه بسا که آزادی کسی تجاوز به آزادی دیگری و تهدیدی علیه دیگران باشد. آنچه میان آزادیها سرز می‌کشد و اجازه نمی‌دهد که آزادی کسی به آزادی دیگری یا آزادی افراد و جوامع به آزادی افراد و جوامع دیگر آسیب برساند، قانون است. از این رو سانسور در چارچوب قرارداد شده (یعنی اتخاذ تدابیری که اندیشیدن، گفتن، نوشتن، و به‌طور کلی هر پدید آوردنی، به حریم حقوق دیگری لطمه‌ای نرساند) - یعنی خلاف قانون نسلمداد نمی‌شود و در حقیقت سانسور هم نامیده نمی‌شود. چنین رفتاری نشانه آن است که اعضای جامعه زمام اختیار خود را به دست دارند و حدود و حریمها را مراعات می‌کنند. اما، به محض آنکه کسی یا جمعی از محدوده قانون یا را فراتر نهاد و به نام هر چیزی، حتی قانون، آزادی، عدالت، حقیقت، غیر و صلاح جامعه، و مانند آنها، دست به کاری زد که آزادی مصرح و مقرر و تعریف شده فردی یا جمعی را در ابراز آراء و عقایدشان با منع یا مشکلی روبه‌رو ساخت، عملی رخ می‌دهد که نام آن سانسور است.

## تعریف سانسور

صاحب‌نظران و حقوقدانان، سانسور را به صورتهای مختلف تعبیر و تعریف کرده‌اند. بحث مفصل در این باره به قصد بررسی و مقایسه و انتخاب، نه کاری است آسان و نه در حوصله این بحث. اجمالاً می‌توان گفت که:

● سانسور، عمل، سیاست یا مشی و برنامه بررسی کردن کتاب، نشریه، نامه، فیلم، نمایشنامه، و جز آن است به قصد اطمینان از محتویات آنها (برای تفصیل بیشتر فرهنگهای معتبر مانند ویبستر، آکسفورد، لاروس، رندلم هاروس، و فرهنگهای مشابه).

● سانسور «تفتیش پیش از انتشار کتابها، جراید، نمایشنامه‌ها، و امثال آنها، و نیز تفتیش نامه‌های خصوصی و جز آنها قبل از رسیدن آنها به مقصد، یا تفتیش نطق و بیان قبل از ایراد آنها، به منظور حصول اطمینان از اینکه مندرجات آنها مضر به اخلاق عمومی یا منافع دولت یا دستگاه حاکمه نیست. سانسور ممکن است به وسیله مقامات دولتی یا دینی و گاه به وسیله دسته مقتدر و مستنفذی اعمال شود» (عیناً از: مصاحب، غلامحسین، ۱۳۴۵، ذیل مدخل «سانسور». تأکید از متن اصلی نیست).

● تعریف دیگر سانسور: هرگونه سیاست یا روش که نه تنها اعمال، بلکه انگیزه‌های اعمال بشر را در ابراز عقاید، اندیشه‌ها، احساسات، و سایر مکتوباتش با نوعی محدودیت روبه‌رو سازد.

دامنه تعریف دوم وسیعتر از تعریف اول، و دامنه تعریف سوم وسیعتر از تعریف دوم است. در هر حال، اگر سیر و مسیر داد و گرفت پیام را در نظر بگیریم، سانسور عملی است که در این

سیر مداخله می‌کند و عمل حذف ناخواسته را انجام می‌دهد:



همان‌طور که در این طرح پیداست، دخالت سانسور موجب می‌شود که پیام پس از فرستاده شدن، عیناً همان نباشد که گرفته می‌شود. تغییر در محتوای پیام، ولو حتی حذف یک کلمه، تغییر در اثر کسی بدون اجازه، و بدون رضایت اوست. حال این عمل در زمان صلح رخ می‌دهد یا در دوره جنگ، با اجازه قانون صورت می‌گیرد یا نه، به خیر و صلاح جامعه است یا خیر، نکته‌هایی است که در جای خود محل بحث دارد. سانسور در هر صورت، مداخله یک عامل سوم است در پیام، چه با مجوز قانون و چه بدون آن، چه بحق و چه ناحق.

## انواع و شیوه‌های سانسور

بدون‌شک، سانسور را به دودسته اصلی می‌توان تقسیم کرد:

- سانسور قانونی؛

- سانسور غیرقانونی.

در سانسور قانونی، اعمال سانسور به اجازه قانون انجام می‌گیرد و گاه کاملاً صریح و علنی و گاه نیمه صریح و نیمه علنی یا پنهانی است. در سانسور قانونی، معمولاً دستگاهها یا نهادهایی دولتی عمل سانسور را انجام می‌دهند. نمونه بارز، سانسور در زمان جنگ است که گاه کاملاً رسمی و علنی، و بدون تعارف و پردپوشی است. چون مصالح جنگ اقتضا می‌کند که دشمن نتواند از اطلاعات

سودمند سوءاستفاده کند، دولت خود را مجاز می‌داند که در سیر دادوگرفت هرگونه پیامی مداخله کند تا هیچ نکته‌ای مغایر با مصالح نظامی کشور مخابره نشود. گاه، حتی آزادی تبلیغ کالاها یا بازرگانی ممنوع یا محدود می‌شود، زیرا ممکن است نوع و شکل تازه‌ای از پیام، قراردادی باشد که مسؤولان سانسور نتوانند رازورمز آن را دریابند. این حالت، افراطی‌ترین نوع سانسور است.

سانسور، در روش قانونی به دو طریق عمل می‌کند:

— سانسور پیشگیری؛

— سانسور پیگردی.

در سانسور پیشگیری، از روشهای پیش از چاپ، نشر و ارسال پیام استفاده می‌شود. در سانسور پیگردی، از روشهای قانونی تعقیب استفاده می‌شود و کسی که قانون را نقض کرده باشد، تعقیب و مجازات می‌گردد. به‌طور کلی روشهای سانسور پیگردی با رویه‌های قانونی سازگارتر است تا روشهای پیشگیری. سانسور غیرقانونی معمولاً زمانی صورت می‌گیرد که:

— دولت غیرمشرع و غیرقانونی برسرکار باشد؛

— دولت از قانون اساسی کشور عدول و تخطی کرده باشد؛

— گروههای غیرقانونی، ذی‌نفع، فشار، یا بخشهایی از خود دولت با گروهها، افراد، و دسته‌های دیگری در جامعه تعارض داشته باشند و حضور و فعالیتهای آنها را با مصالح خود مغایر بدانند؛

— نهادهایی در جامعه باشد که فعالیت آنها از دایره نظارت رسمی قدرت حاکم خارج باشد.

سانسور غیرقانونی، خطرناکترین و زیانبارترین نوع سانسور است. ظلمانی‌ترین دردناکترین دوره‌های تاریخ سانسور مربوط به اعصاری است که سانسور غیرقانونی در هیأت قانون، یا در لوای توجیه و تفسیر و تعبیری خاص، سیر طبیعی اندیشه را آماج حملات خود قرار داده است.

سانسور، چه به روش قانونی و چه به طریقه غیرقانونی، انواعی دارد که مهمترین آنها عبارت است از:

— سیاسی؛

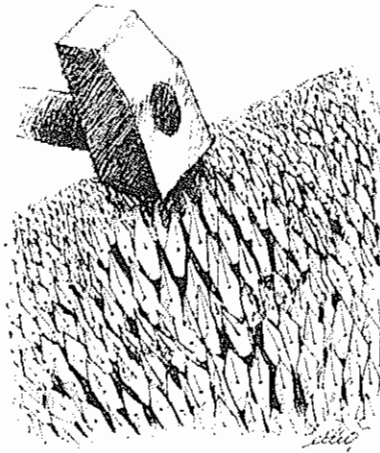
— مذهبی؛

— اخلاقی؛

— اجتماعی؛

— فرهنگی؛

— علمی.



که رسانه‌های همگانی در دست دولت متمرکز باشد، خطری که صاحبان اندیشه و هنر را تهدید می‌کند، بیشتر است. در کشورهای جهان سوم و واپس مانده، و به‌ویژه در آن دسته از این گونه کشورها که حکومتهای وابسته یا غیرمردمی دارند، و حکومتی نیرومند نیز در آنها برسرکار است، این خطر به مراتب بیشتر است. برای مثال، دولتهایی که با دادوگرفت آزادانه اندیشه موافق نباشند، می‌توانند بدون توسل به روشهای قانونی یا علنی سانسور، از راههای دیگر مانع و محدودیت به وجود آورند یا نظر خود را، به‌گونه‌ای که می‌خواهند، تحمیل کنند. این راهها بعضی از نمونه‌های آنهاست:

— دخالت در گردش آزادانه اخبار و اطلاعات از طریق نظارت بر رسانه‌های همگانی؛

— استفاده از اهرمهای اقتصادی برای تحمیل شرایط سیاسی؛

— دخالتهای ناپیدا در توزیع کتابها و مطبوعات؛

— جلوگیری از ورود منابع و اطلاعات و اخبار به کشور یا ایجاد موانع پیدا و ناپیدا برسر راه آنها؛

■ در سانسور قانونی، اعمال سانسور به اجازه قانون انجام می‌گیرد و گاه کاملاً صریح و علنی و گاه نیمه صریح و نیمه علنی یا پنهانی است.

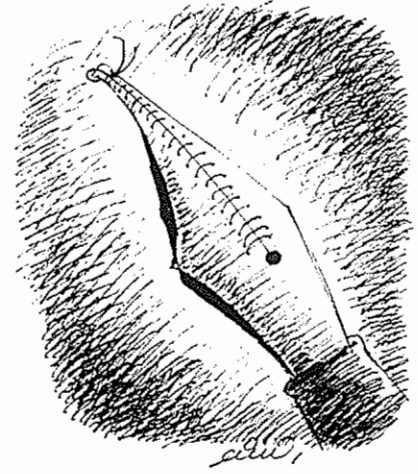
■ نمونه بارز سانسور قانونی، سانسور در زمان جنگ است که دولت خود را مجاز می‌داند که در سیر دادوگرفت هرگونه پیامی مداخله کند تا هیچ نکته‌ای مغایر با مصالح نظامی کشور مخابره نشود. گاه حتی آزادی تبلیغ کالاها یا بازرگانی، ممنوع یا محدود می‌شود. این حالت افراطی‌ترین نوع سانسور است.

— تحت فشار قراردادن صاحبان اندیشه و هنر با روشهای مستقیم و غیرمستقیم برای دور ساختن آنها از اندیشه‌هایی، یا نزدیک کردن آنها به بعضی دیگر؛

— وادار ساختن محافل فکری، مجامع هنری، کانونهای فرهنگی - انتشاراتی، چاپخانه‌ها، مراکز رسانه‌ها به پذیرفتن و

از میان اینها، سانسور سیاسی بیش از انواع دیگر رایج است. معمولاً هرچا سانسور مذهبی برقرار شود، سانسورهای اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی نیز بالطبع برقرار می‌گردد. شدت هرکدام از اینها به وضعیت، موقعیت، پیشینه و بحران جامعه بستگی دارد. زیانبارترین نوع سانسور برای کتاب و مطبوعات و صاحبان اندیشه و هنر و قلم، سانسور فرهنگی و علمی است. در تاریخ فرهنگی - علمی بشر، عملی که یونانیان در ۳۹۹ ق م با سقراط فیلسوف انجام دادند و او را وادار کردند جام زهر بنوشد، یا عملی که بعضی مقامات کلیسا در ۱۶۱۶ و ۱۶۳۳ با گالیله انجام دادند و او را تحت فشار قرار دادند تا عقاید علمی‌اش را تکذیب کند یا پس بگیرد، یا به تعبیر آنها تصحیح کند، فراموش شدنی نیست. منصور حلاج را در سال ۳۰۹ ه ق کشتند و به روایتی سوزاندند. شهید اول را در سال ۷۸۶ ه ق کشتند، سنگباران کردند و سپس سوزاندند. شهید ثانی را در سال ۹۶۶ ه ق به قتل رساندند، و شهید ثالث را در سال ۱۲۶۴ ه ق در مسجد کشتند. اینان نمونه کسانی هستند که یا جانشان را در راه اندیشه‌هایشان از دست داده‌اند، یا در این راه با مشکلات روبه‌رو شده‌اند؛ رویدادهایی که هیچگاه از صفحه‌های تاریخ علمی - فرهنگی بشر محو نمی‌شود و خاطره آنها از یادها نمی‌رود.

سانسور در عصر جدید، و به‌ویژه با استفاده از تکنولوژیهای پیشرفته در دنیای کنونی، بیش از اعصار گذشته پیچیده و گوناگون شده است. دولتهایی که بخواهند دست به سانسور بزنند، اکنون راهها و سازوکارهای عملی بیشتری در اختیار دارند. در کشورهای



مراعات ضوابطی که در مجموع و در نهایت جنبه محدودکننده یا تغییردهنده داشته باشد؛  
- اعمال آیدئولوژی حزبی، از طریق رسمی و رسانه‌ها، و از طریق غیررسمی به دست گروه‌های فشار؛

- ایجاد ترس، بیم و تردید آشکار، پنهان یا نهفته در مردم، از راه‌های مختلف و بدویزه به کمک اهرم‌های سیاسی که در دست دولت است، و گاه حتی از طریق شایعه‌پراکنی، به گونه‌ای که آنها را از آنچه مدنظر و پسند قدرت حاکم نیست، دورکنند، یا مردم را به خودسانسوری وادارد.

شیوه‌های جدید سبب شده است که سانسور با شکلهای تازه و مبدل جای گونه‌ها و روشهای گذشته را بگیرد. در جامعه‌هایی که سنت آزاداندیشی نباشد یا رشد فرهنگی - اجتماعی آن را تقویت نکند، تکنولوژیها و رهاوردهای آنها می‌تواند با ابزارهای نیرومندتر و کارآمدتری در خدمت کسانی قرار گیرد که داد و گرفت آزادانه اندیشه را به سود خود نمی‌دانند. هرچه هست، ناشران کتاب و مطبوعات، کالایی تولید می‌کنند و می‌فروشند که محتوای آن اندیشه، دیدگاه، نظر، عقیده، سلیقه، تعبیر و تفسیر شخصی و غیرشخصی، و پدیده‌های دیگری از این دست است. مادام که جامعه خویشنداری نشان ندهد و عقاید مخالف خود را تحمل نکند، بیم برخورد وجود دارد. البته قابل شدن به آزادی محض و مطلق در نشر، مطمئناً به هیچ روی واقع‌بینانه نیست. واژه‌ها حکم اسلحه را دارد، و در جامعه ناخویشندار به سان کبریتی با انبار باروت

عمل خواهد کرد. آزادی، اساسی‌ترین عنصر برای نشر است، اما استفاده صحیح از آن فقط در چارچوب قانون ممکن است. آزادی انتشاراتی و مطبوعاتی، با حمایت قانونی جدی، و اجرای آگاهانه و مسؤولانه دستگاههای مجری قانون، و مراعات پدیدآورندگان و ناشران و چاپگران امکانپذیر تواند بود.

### تاریخچه سانسور در ایران

دولت به معنای جدید، حدوداً از عصر ناصرالدین‌شاه قاجار در ایران تشکیل شد. لوازم دولت جدید، از جمله رسانه‌های همگانی، نیز به موازات رشد دولت رشد کرد. با پیدایش این رسانه‌ها، نهادی نسبتاً رسمی برای اعمال نظارت دولت، که در عمل وظیفه سانسور را انجام می‌داد، اندک‌اندک شکل گرفت. مدت کوتاهی پس از انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، دومین روزنامه فارسی، «ناصرالدین شاه یکی از مأموران دربار را... به عنوان مباشرت در امر محتویات روزنامه تعیین کرد... پس از عزل امیرکبیر، او از روال کار انتشار روزنامه شکوه کرد و گفت کار به جایی رسیده که بدون اجازه صدر اعظم هیچ چیزی جز خبر خارجی نمی‌تواند چاپ کند و مجبور است درباره مقالات روزنامه با صدر اعظم و گاهی نیز با خود شاه مشورت کند».

این نظارت بر نشر روزنامه بعداً به صورت منظم‌تر ادامه یافت و موجب شد که مخالفان به پیشینه تاریخی سانسور گواه یکی از کهنترین کشاکشها میان همه کسانی است که از یک سو حرفهایی برای گفتن و نوشتن داشته‌اند و نهادهای قدرتها، تشکیلات و آیین‌ها و افرادی که از سوی دیگر آن حرفها را موافق مصالح یا در جهت منافع خود نمی‌دیدند.

■ سانسور در روش قانونی به دو طریق عمل می‌کند: سانسور پیشگیری، و سانسور پیگردی.

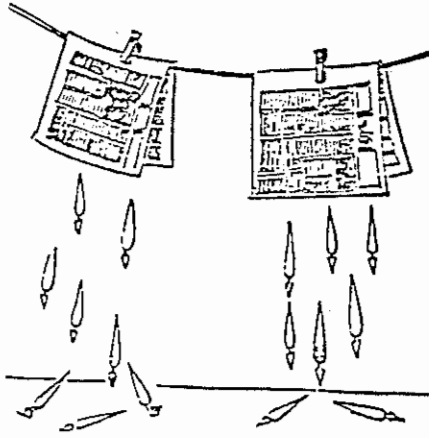
در سانسور پیشگیری، از روشهای پیش از چاپ، نشر و ارسال پیام استفاده می‌شود. در سانسور پیگردی از روشهای قانونی تعقیب استفاده می‌شود و کسی که قانون را نقض کرده باشد، تعقیب و مجازات می‌گردد.

راههای غیرقانونی، از جمله انتشارات مخفی و زیرزمینی، روی آوردند. بعضی نیز فعالیتهاشان را به کشورهای خارج منتقل کردند و با استفاده از آزادی موجود در آن جوامع، به انتشار آزادانه افکار و عقایدشان پرداختند.

انقلاب مشروطه، فضای تازه‌ای بر ایران حاکم کرد و با توجه به ماده صریح مربوط به آزادی بیان در قانون اساسی، نشریات بسیار و کتابهای تازه‌ای منتشر شد. در واقع، اندیشه برای نخستین بار در مقیاسی گسترده و با استفاده از رسانه‌های همگانی، در سطوح مختلف جامعه ایران انتشار یافت. اما دوره جنگهای داخلی پس از انقلاب مشروطه، ضعیف شدن بنیه جامعه، سرخوردگی از انقلاب مشروطه، و بعد هم وقوع جنگ جهانی اول و اشغال بخشهایی از خاک کشور، مجال و رمقی برای جامعه باقی نگذاشت.

سلسله قاجاریه سرانجام منقرض شد و سلسله پهلوی برسرکار آمد و حکومت مرکزی و متمرکز قدرت گرفت و بروضاع مسلط شد. همین حکومت در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۰۱، یعنی تقریباً از همان آغاز کار خود، قانونی را به نام «قانون راجع به نظارت مطبوعات» از تصویب مجلس گذراند، و اندکی بعد دایره‌ای در وزارت معارف عملاً به سانسور پرداخت. تا شهریور ۱۳۲۰، که ایران در زمان جنگ جهانی دوم به اشغال نیروهای بیگانه در آمد، سانسور کتاب و مطبوعات، به صورت منظم، رسمی و غیررسمی، به اشکال مختلف، و گاه نیز با شدت تمام برقرار بود.

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، دوره‌ای است که آزادی سیاسی، فضای مناسبی برای انتشار آزادانه‌تر اندیشه فراهم ساخت. در این دوره صدها روزنامه و مجله، شماری کتاب، و انواع و اقسام نشریات حزبی و وابسته به دسته‌ها و گروههای مختلف، به فراوانی انتشار یافت. و چون احزاب و دسته‌های سیاسی آزادی فعالیت داشتند، و اینها برای بقای فعالیتهای خود هم که بود خواستار آزادی فعالیت گروههای دیگر نیز بودند، فضایی بر جامعه حاکم گردید که در آن طیف رنگارنگی از همه گونه رأی و اندیشه، نظر و سلیقه، و فکر و عقیده دیده می‌شد. در این دوره سانسور سیاسی شاید ضعیفترین و



«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». و اصل بیست‌و‌چهارم می‌گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخّل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد».<sup>۲</sup> ماده ۴ قانون مطبوعات، مصوب اسفند ۱۳۶۴، و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب بهمن ۱۳۶۵ دربارهٔ سانسور در مطبوعات صراحتاً می‌گوید: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند».<sup>۵</sup>

#### حاشیه:

1. Karimi - Hakkak, Ahmad, 1992, "Censorship", in: *Encyclopedia Iranica*, Vol. 5, P. 135.

۲. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: از صبا تا نیمان. تألیف یحیی آدین‌پور.

۳. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ مطبوعات این دوره نگاه کنید به: تاریخ جراید و مجلات ایران. تألیف محمد صدرهاشمی.

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵. این نوشته فصلی است از کتاب چاپ و نشر، تألیف آقای عبدالحسین آذرنگ که در دست چاپ است. □

پس از سقوط رژیم در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، انبوهی از نوشته‌هایی که سالها اجازه انتشار نداشت، مانند جریانی سیل‌وار، بدون مانع و سانسور انتشار یافت. کتابهایی که اصطلاحاً به آنها «جلد سفید» می‌گفتند، کتابهایی با جلدهای ساده و معمولاً بدون طرح جلد، و بیشتر به رنگ سفید، و قریب به اتفاق سیاسی، به میزان زیاد انتشار یافت. شمار روزنامه‌ها و مجلات به نحو بی‌سابقه‌ای فزونی گرفت. این پدیده انفجاری‌گونه، البته نمی‌توانست برای مدتی طولانی ادامه داشته باشد، اما هرچه بود نتیجه محرومیت و خفقان سالها تفتیش و سانسور بود.

حدود یک‌سال ونیم از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که نیروهای ارتش متجاوز عراق به ایران حمله کردند و جنگ هشت‌ساله ناخوستدای را بر ایران تحمیل کردند. جنگ و مسائل و مشکلات آن طبعاً اجازه نمی‌داد که



آزادی اندیشه در بستر طبیعی خود حرکت کند. پس از پایان یافتن این جنگ در تابستان ۱۳۶۷، مقدمات انتشار آثار در اوضاع و احوال طبیعی و در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و آیین‌نامه‌های مصوب انتشار کتاب و مطبوعات به تدریج فراهم آمد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۵۸، با اصلاحات ۱۳۶۸، صراحتاً هرگونه سانسور را ممنوع و از آزادی بیان حمایت کرده است. اصل بیست‌وسوم این قانون می‌گوید:

■ سانسور در هر صورت مداخلهٔ یک عامل سوم است در پیام، چه با مجوز قانون و چه بدون آن، چه به حق و چه ناحق.

■ سانسور غیرقانونی خطرناکترین و زیانبارترین نوع سانسور است. ظلمانی‌ترین و دردناکترین دوره‌های تاریخ سانسور مربوط به اعصاری است که سانسور غیرقانونی در هیأت قانون یا در لوای توجیه و تفسیر و تعبیری خاص، سیر طبیعی اندیشه را آماج حملات خود قرار داده است.

■ سانسور در عصر جدید و به‌ویژه با استفاده از تکنولوژیهای پیشرفته در دنیا، بیش از اعصار گذشته، پیچیده و گوناگون شده است.

کم‌رنگ‌ترین مرحلهٔ خود را در تاریخ ایران می‌گذرانند.<sup>۳</sup>

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوبی فوری و سریع نیروهای مخالف دولت، آزادی اندیشه در ایران، به دنبال دوره‌ای درخشان، آسیبی هولناک دید و دوره‌ای از اختناق فکری، لغو آزادیهای اساسی و اصولی، و بی‌حرمتی به ساخت اندیشه تا سقوط رژیم در ۱۳۵۷ ادامه یافت. به ویژه پس از تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در ۱۳۳۶، حدود چهارسال پس از کودتا، سانسور و تفتیش عقاید به اوج خود رسید. ساواک نه تنها روزنامه‌ها، مجلات، و انتشار هرگونه نشریه‌ای را زیر نظر قرار داد، بلکه با نفوذ غیرقانونی و مخفیانه در همهٔ کانونهای تجمع فکری، علمی، هنری، فرهنگی، جامعه را از درون و از اعماق نهان خود سرعوب، و از هرگونه آزاداندیشی و فراغت‌بال و راحتی خیال محروم ساخت. تفتیش عقاید و سانسوری که ساواک برقرار ساخت از نمونه‌های بارز سانسور منظم دستگاههای امنیتی برای ایجاد جوّ وحشت و خفقان و جلوگیری از پیدایش و گسترش هرگونه اندیشهٔ مخالف است. سانسور در ایران در دورهٔ فعالیت ساواک، از یکی از ظلمانی‌ترین دوره‌های تاریخ خود گذر کرده است.